



## دیپلماسی فردا



## ۱۰ | ۱۶ | ۰۱

**اگر من جای ظریف بودم**

### ایران برادر بزرگ عراق نیست



**فردون مجلسی**

دیپلمات سابق

حیدر العبادی به تهران آمد. او این روزها در کانون حوادث و خبرها قرار دارد، مردی که احساس می کند پیروز شده‌است و حالا از موضع یک رهبر موفق سفرهای دیپلماتیکش را شروع کرده‌است، او به ریاض رفته و اُنقدر اعتماد به نفسش بالا بود که پاسخ در خور توجه‌های به رکس تیلرسون می‌دهد. بعد به آنکارا می‌رود و با اطمینان خاطر می‌گوید قضیه کردها تمام شده و از حالا این من هستم که در باره نفت شمال عراق حرف می‌زنم و اُنقدر مسلط هست که هرچه می‌گوید اِر دوغان آنها را تأیید کند، او از پاپوین ویژه فرودگاه امام‌وارد تهران می‌شود، این آخرین گام مأموریت دیپلماتیک اوست
جالب آنکه با تهران همه‌چیز قرار است خاتمه یابد، البته وزیر خار جاش، جعفری به مسکو رفته تا عراقی‌ها با خیال راحت بگویند «این روزها همه چیز تحت کنترل است» یک برنامه ویژه با خودش آورده است. العبادی می‌گوید عراق می‌تواند الگوی مبارزه با ترور بسم باشد! اگر من امروز مسئولیتی در وزارت خارجه داشتم با دستان باز و خندان به استقبال العبادی می‌رفتم. ایران سال‌هاست با حکومتی در عراق رویه‌روست که نماینده یک جریان یا یک اقلیت است، از روز تأسیس عراق تا زمان سقوط صدام، عراق را یک اقلیت اداره می‌کرده‌اند؛ حکومت‌های اقلیت در عراق ناچار بود به اختلافات در خارج از مرزهایش دامن بزنند تا به صورت مصنوعی وحدت ملی ایجاد کند، جنگ تحمیلی علیه ایران و جنگ در خلیج‌فارس محصول این حکومت‌ها بود، مسئولان وزارت خارجه باید خودشان را جای حیدر العبادی هم بگذارند، او با محدودیت‌های فراوان در دیپلماسی خود رویه‌روست، او ناچار است با دولت آمریکا متحد و دوست همیشگی باشد،وقتی عراقی‌ها از شر صدام حسین خلاص شدند،باهز مونی آمریکا رویه‌رو شدند؛عراق اگر بخواهد با آمریکایی‌ها خصمانه برخورد کند، ایالات متحده بازی‌های جدید را علیه آن‌ها طراحی می‌کند، آن‌ها به‌راحتی اقلیت‌ها مذهبی و نیز قباایل را علیه دولت مرکزی متحد می‌کنند، یا می‌توانند کردها را با داشتن یک حقوق تاریخی رویه‌روی دولت مرکزی قرار دهند، پس باید همیشه به عراقی‌ها حق بدهم که دشمن آمریکایی‌ها نباشند.عراق یک کشور عربی است، اگر من جای طرف بوم همیشه برابر آن‌ها فقط نگاه‌عربی را پرچستہ نمی‌کردم، بلکه عراق را واحدی عربی-عجمی تصور می‌کردم،بعد از فراندوم کردستان ایده عربی یوشود وزارت بیسابقه ترویج می‌شود در حالی که عراق یک اقلیت بزرگ قرار دارد که تنها به‌صورت تاریخی در آن مکان قرار گرفته‌اند، صرف تعلق عربی کردن عراق باعث می‌شود پیش از آن‌ها به‌عنوان منطقه افزایش یابد و آن‌ها نیز به صورت غیرمنطقی با ایران خصوصت دارند. ما بایسد عراقی‌ها را درک کنیم، زمانی که سر میز مذاکره با عراقی می‌نشینیم باید بدبسیم که سیاست‌های عربی عراقی چارهای ندارد که با اعراب دوست باشد و با آمریکایی‌ها متحد شود، دستگاه دیپلماسی ایران باید خوب بداند که عراق کشوری ثروتمند است، از لحاظ منابع بسیار غنی است به‌اندازه فرانسه وسعت و نصف آن‌ها جمعیت دارد، عراق آرام‌رام به سمت ثبات می‌رود، باید به عراقی‌ها این اطمینان خاطر را بدهم که ایران هیچ تعابلی به اعمال نفوذ در این کشور ندارد و ایران برادر بزرگتر عراق نیست و نمی‌خواهد به عراقی‌ها در سیاست اهانت کند، ظریف باید سیاستی را اعمال کند که در میان مردم عراق محبوب قباایل و نه اینکه واکنش منفی آن‌ها را افزایش دهیم زیرا عراق فقط شیعیان آن نیست، حتی در این روزها نفوذ ایران در میان برخی جریان‌های شیعه نیز کم شده‌است، پس کردستان، مسئولیت زیادی را متوجه تصمیم‌گیران کرده‌است. به موضوع تفاهم با- بغداد و حتی دیدگاه‌های مخالف در درون کردستان، مهم‌ترین موضوع در آینده بی‌توجهی دولتی‌ها به حل چالش دیرینه مناطق مورد مناقشه و خصوصا کرکوک‌است. دیگر رفتار کتاب دولت‌های حاکم بر بغداد، بی‌توجهی آنان به شرکای سیاسی و نیروهای کُنشگر بود که مشکلات موجود را به سرحد

یادداشت



## طوفان کرکوک و پس از طوفان



**فاروق نجم‌الدین**

کارشناس علوم ارتباطات

هیچ کس به‌درستی نمی‌داند که این اتفاق چگونه شکل گرفت و چگونه یکشنبه پایان یافت. فراندوم جدایی کردستان عراق در شرایطی جامعه‌عمل پوشید که تقریبا اجماعی جهانی علیه آن شکل گرفته بود. دولت خودمختار کردستان و مشخصا خود بارزانی، گویی حساب همه‌چیز را کرده بود جز اینکه دولت بغداد به اقدام نظامی مستقیم متوسل شود. بارزانی بارها از سوی خبرنگاران درباره پیامدهای احتمالی فراندوم مورد پرسش قرار گرفته بود اما هر بار ابواز اطمینان می‌کرد که مواضع قدرت‌های جهانی

گفت و گو



برهم‌صاع نخست‌وزیر سابق کردستان عراق و معاون سابق نخست‌وزیر عراق. نوری المالکی

● عکس: وب‌سایت Niqash

که از سوی طرف مقابل تکذیب شد. شواهد اما نشان می‌دهد که چنین مصالح‌های اگر هم صورت گرفته باشد نمی‌تواند تمام حقیقت ماجرا را منعکس کند. کافی است بدانیم که پیشمرگه‌های منتسب به اتحادیه میهنی نه در کرکوک و نه در دیگر مناطقی باز پس‌گیری کرکوک اما وقایع میدانی به‌گونه متفاوتی رقم خورد. نیروهای پیشمرگه که از سه‌سال پیش و در هنگام پیشروی‌های داعش، با هماهنگی دولت مالکی در کرکوک مستقر شده بودند، هیچ مقاومتی در برابر نیروهای دولت مرکزی از خود نشان ندادند. مقامات نزدیک به بارزانی و سپس خود او تمام تقصیر را بر گردن مسئولان حزب رقیب یعنی اتحادیه میهنی کردستان که شریک سیاسی آنها نیز محسوب می‌شود، انداختند. آنها مدعی بودند که مصالح‌های پنهانی میان مقامات این حزب و تشکیلات جیش‌الشعبی با وساطت مقامات ایرانی به مشخصاً نزال قاسم سلیمانی انجام گرفت؛ موضوعی

گفت و گو

مخالفان رستاز از همیشه، سیاست‌های بارزانی را زیر سؤال برده است. مقامات تشکیلات اتحادیه میهنی و حزب گوران، خواهان آن شدند که بارزانی همان‌گونه که پیش از فراندوم اعلام کرده مسئولیت این اقدام نامناسب را برعهده گیرد و از مقام خود استعفا دهد تا با بغداد، باز کند. متأسفانه به‌رغم این کوشش‌ها، خط تنش‌زایی در سوی مناقشه همچنان ادامه دارد؛ تنش‌هایی که ممکن است مخاطرات مهمی را در پی داشته باشد و رودرویی‌های نظامی را به‌درون مناطق خودمختار بکشانند. طبیعی است که تداوم خط تنش می‌تواند دستاوردهای عملیات طوفانی کرکوک را تهدید کند؛ عملیاتی که توازنی مثبت میان نیروها به‌وجود آورده است. مطرح کردن سنار یوهایی نظیر ایجاد دو دولت خودمختار کرد یکی در اربیل و دیگری در سلیمانیه، نتیجه‌ای جز افزایش تفرقه‌های قومیتی و دینی به‌بار نمی‌آورد.



گفت‌وگو با برهم صالح، نخست‌وزیر پیشین کردستان عراق

# نمی‌توان منافع مشترک با ایران را نادیده گرفت

بغداد، موصل، دیاله و صلاح‌الدین با امنیت هرچه تمام‌تر زندگی می‌کنند. من بر این باورم که تنش موجود هنوز هم در چارچوب سیاسی خود محصور مانده و ابعاد مردمی به‌خودنگرفته‌است. ما وظیفه داریم که مردم را در این خصوص آگاه کنیم تا تحت‌تاثیر گفت‌مان‌های نافرطی قرار نگیرند. در مجموع هم می‌توانم بگویم که رفتار مردم از رفتاری که بسیاری از نخبه‌های اجتماعی و سیاسی در دو طرف ماجرا از خود نشان دادند، بسیار جلوتر بود.

تنها راهکار کارساز در مرحله فعلی متوقف کردن فوری عملیات نظامی و عقب‌نشینی واحدهای نظامی به پادگان‌ها و اگذاری اداره شهرها به ساکنان و شهروندان همان مناطق است. گفت‌وگوی دو جانبه نیز به چارچوب قانون اساسی، بی‌درنگ باید آغاز شود. من پیش از این هم بارها گفته بودم که مرزهایی که باخون ترسیم می‌شوند ناگزیر بر روی باخون‌تری دوباره تغییر خواهد یافت؛ نمی‌توان و نباید حرف خود را برتری نظامی و تحمیل کردن امر واقع به کرسی نشاند.

**آیا قبول دارید که ایران قصد دارد با استفاده از قلمرو کردستان عراق گذرگاهی را برای رسیدن به سوریه به‌تدارک ببیند؟**

ببینید، تحلیل‌گران گاه صرفاً می‌نشینند و نقشه‌های خشک جغرافیایی را کنار هم می‌گذارند تا فرضیه‌های خود را در مورد استراتژی این یا آن کشور به اثبات برسانند. چقدر هم هرزه‌بر تعداد این تحلیل‌گران سیاسی و رسانه‌ای افزوده می‌شود. اینها در حقیقت نوعی گمانه‌زنی و نیت‌خوانی است. گاه برداشت ناقص منجر به درک کژتابانه از واقعیت می‌شود. استراتژی کشورهای بر اساس نقشه‌های خشک جغرافیایی تعیین نمی‌شود بلکه تابعی از منافع ملی کشور هاست. چه بخواهیم و چه نخواهیم، ایران کشور مسایع ماست و این واقعیت نه‌از سوی ایرانی‌ها و نه‌از سوی عراقی‌ها قابل‌تغییر نیست. روابط فرهنگی و اقتصادی میان دو کشور چنان عمیق است که هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند منافع مشترک را نادیده بگیرند.

منافع عراق حکم می‌کند که منظومه‌های همکاری منطقه‌ای نه بر بنیاد سیاسی کاری‌ها و دیدگاه‌های فرقه‌ای که بر اساس منافع مشترک سیاسی-اقتصادی شکل بگیرد و تقویت شود؛ منظومه‌هایی که باید به سوی ایجاد بازار مشترک منطقه‌ای سوق داده شود. کشورهای خاورمیانه شدیداً به‌همدیگر نیاز دارند و این نیاز در آینده رو به‌افزایش نیز هست.

به‌جای سخن گفتن از گذرگاه‌های پیکار جویسان، باید از گشودن راه‌های جدید برای بنیاد گذاشتن مناطق تجاری آزاد و سرمایه‌گذاری مشترک سخن گفت. باید در اندیشه ایجاد زیربناهای لازم برای رشد اقتصادی و تسهیل عبور آزاد کالاها و خدمات و تقویت ارتباط میان ملت‌ها بود.

صفاآرای‌های سیاسی و نظامی به‌اندازه کافی به کشور ما صدمه وارد کرده و آثار سوء آن‌دامتکر کشور‌های منطقه و فراتر از آن کل جهان شده‌است. وقت آن رسیده که سیاست تقسیم‌بندی کشورها بر اساس چنین محورهایی کنار گذاشته‌شود. عراق به‌لحاظ موقعیت ویژه خود و تأثیری که بر توازن‌های منطقه‌ای می‌گذارد، کشور مهمی به‌شمار می‌آید. صلح‌ت همه در آن است که حاکمیت عراق از ثبات و امنیت کافی برخوردار باشد. هیچ‌نوع قومیتی قابل قبول نیست. در این صورت عراق می‌تواند به‌عملی‌های بازگرداندن امنیت و ثبات و ریشه‌کن کردن ترور بسم در منطقه تبدیل شود.

کار آمد را در بغداد و اربیل پایه‌گذاری کنیم. هدف باید شکستن دیوار بی‌اعتمادی‌واژ بین‌بردن گفت‌مان نفرت میان قومیت‌ها باشد. پیش از هر چیز باید رشد و رونق اقتصادی در کردستان و در کل عراق مدنظر باشد. این موضوع اختصاص به روابط کردها و عرب‌ها ندارد بلکه کل شهروندان ما را در موصل و بصره و حله را دربر می‌گیرد؛ خلیی که موجب شد رفیقان و هم‌زمان دیروزی علیه تروریست‌های داعش، رویه‌روی هم صفا آرای کنند.

**شما چه راهکاری برای حل بحران موجود پیشنهاد می‌کنید؟**

بعاعتقاد من هر راه‌حل باید متضمن نگاهی چندجانبه به بحران باشد. نخست آنکه باید وحدت صف میان نیروهای کنشگر در درون کردستان مدنظر قرار گیرد و به‌عنوان محور ثابت تلقی شود. به‌هیچ‌عنوان نباید حوادث دهه ۹۰ تکرار شود. اختلافات موجود نباید موجب شود تا گروه‌های مسلح رودرروی یکدیگر بایستند. شرط دوم اینکۀ کردها پسانگاهی واحد با بغداد وارد گفت‌وگو شوند. باید راه‌حلی برای دوگانگی موجود اندیشید. حاکمیت کردستان باید اطمینان را به شهروند کرد بازگرداند و پیش‌شرط آن متوقف‌ساختن مناسبات راتی موجود در حاکمیت اقلیم است. تنها راهکار عبارت از تشکیل یک دولت انتقالی است که از مشروعیت لازم و نیز اعتماد شهروندان کرد برخوردار باشد و بتواند از چالش‌های فراندوم و تبعات آن عبور کند تازه را برای مذاکره با بغداد بگشاید. نباید بی‌جهت دنبال انداختن تقصیر بر گردن نیروهای رقیب این بوده و هست که کاستی‌ها و نابسامانی‌های موجود در منظومه سیاسی و به‌ویژه موضوع فساد اداری و رانت‌خواری که چون خوره به جان پیگیر سیاسی موجود افتاده، مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد. باید هرطور شده این روند رو به انحطاط و پیری‌اری را متوقف کرد. باید با خواست‌ها و آرزوهای نسل جوان تعامل کرد. جوانان باید از فرصت‌های شغلی و آموزش برابر برخوردار باشند تا به آینده امیدوار شوند.

گذشته از این باید تشبث به گفت‌مان کاذب قومیت‌گرایانه را کنار گذاشت تا به‌سوی فضای گشوده‌تری حرکت کنیم؛ فضایی که اجازه دهد ملت کرد با دیگر ملت‌های این منطقه تعامل کند. چه در اقلیم کردستان و چه در کل عراق، معیار اصلی رفتار دولت‌ها باید رعایت اصل حکمت باشد.

**گزارش‌ها حکایت از آن دارد که «حشدالشعبی» در برخی مناطق، حقوق شهروندی کردها را نقض کرده‌اند. طبق برخی از اخبار شمار قابل توجهی از کردها مجبور شدند از محل سکونت خود بگریزند. آیا بیم آن وجود ندارد که تنش موجود در شمال عراق به‌منزاع‌های تمام‌عیار میان عرب‌ها و کردها یا میان شیعه‌ها و اهل تسنن تبدیل شود؟**

این گزارش‌ها نگرانی بسیاری را به‌وجود آورده است. ما از دولت فدرال عراق خواستیم که اقدامات تجاوز کارانه فوراً متوقف شود. با این وجود من می‌خواهم در اینجا به شما اطمینان بدهم که تنش موجود هیچ‌گاه به‌منزاع‌های قومیتی یا فرقه‌ای با کردها منجر نخواهد شد. پیوندهای عمیق تاریخی آن قدر قوی هستند که امکان رشد و گفت‌مان‌های فرقه‌ای نمی‌دهد. بزرگ‌ترین دلیل من حضور صدها هزار از ساکنان عرب در منطقه کردستان است که سال‌هاست به صورت مسالمت‌آمیز در کنار مردم کرد زندگی می‌کنند. در مقابل نیز صدها هزار نفر از کردها در شهرهای مانند

انفجار رساند. حتی می‌توان از یک خلل و نابسامانی ساختاری در حاکمیت کشور عراق سخن گفت که بحران ز بوده و به‌عبارت

بهتر، بحران‌زایی را به صفت ذاتی و درونی آن تبدیل کرده‌است. این موضوع اختصاص به روابط کردها و عرب‌ها ندارد بلکه کل شهروندان ما را در موصل و بصره و حله را دربر می‌گیرد؛ خلیی که موجب شد رفیقان و هم‌زمان دیروزی علیه تروریست‌های داعش، رویه‌روی هم صفا آرای کنند.

**شما چه راهکاری برای حل بحران موجود پیشنهاد می‌کنید؟**

بعاعتقاد من هر راه‌حل باید متضمن نگاهی چندجانبه به بحران باشد. نخست آنکه باید وحدت صف میان نیروهای کنشگر در درون کردستان مدنظر قرار گیرد و به‌عنوان محور ثابت تلقی شود. به‌هیچ‌عنوان نباید حوادث دهه ۹۰ تکرار شود. اختلافات موجود نباید موجب شود تا گروه‌های مسلح رودرروی یکدیگر بایستند. شرط دوم اینکۀ کردها پسانگاهی واحد با بغداد وارد گفت‌وگو شوند. باید راه‌حلی برای دوگانگی موجود اندیشید. حاکمیت کردستان باید اطمینان را به شهروند کرد بازگرداند و پیش‌شرط آن متوقف‌ساختن مناسبات راتی موجود در حاکمیت اقلیم است. تنها راهکار عبارت از تشکیل یک دولت انتقالی است که از مشروعیت لازم و نیز اعتماد شهروندان کرد برخوردار باشد و بتواند از چالش‌های فراندوم و تبعات آن عبور کند تازه را برای مذاکره با بغداد بگشاید. نباید بی‌جهت دنبال انداختن تقصیر بر گردن نیروهای رقیب این بوده و هست که کاستی‌ها و نابسامانی‌های موجود در منظومه سیاسی و به‌ویژه موضوع فساد اداری و رانت‌خواری که چون خوره به جان پیگیر سیاسی موجود افتاده، مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد. باید هرطور شده این روند رو به انحطاط و پیری‌اری را متوقف کرد. جوانان باید از فرصت‌های شغلی و آموزش برابر برخوردار باشند تا به آینده امیدوار شوند.

**ببینید بحران فعلی را نمی‌توان صرفاً بحرانی کردی دانست. این بحران در حقیقت به کل کشور عراق مربوط می‌شود. در یک تحلیل نهایی، رخدادهای فعلی را می‌توان عوارض ذاتی مرحله پسادهشی منطقه‌است. منطقه زمانی روی آرامش را می‌بیند که به‌ازمان این ملت و دیگر ملت‌ها احترام گذاشته‌شود. یقیناً راه‌حل‌های تحمیلی یا تحمیل کردن واقعیت موجود با استفاده از قدرت نظامی کارساز نیست. این درسی است که‌از خدادهای تاریخ معاصر باید آموخت. به‌همین جهت معتقدم که گفت‌وگو با بغداد صرفاً نباید به موضوع روابط با کردستان منحصر شود. از سال ۲۰۰۳ تاکنون دعوا همیشه بر سر تقسیم سهم یا نفوذ و ثروت کشور بود. نباید دوباره این اشتباه را تکرار کنیم. باید به این بیندیشیم که چگونه نظامی**

● ترجمه از: ابراهیم حمیدی

راهکار اصلی برای حل مناقشات فعلی کردستان با دولت مرکزی از نظر برهم صالح، رئیس سابق دولت اقلیم کردستان، چیزی جز تشکیل یک «دولت انتقالی» نیست؛ دولتی که «ولا از مشروعبت قانونی لازم و نیز از اعتماد مردم کردستان برخوردار باشد و ثابا بتواند از چالش‌های ناشی از انجام این فرآند عبور کند تا بتواند راه گفت‌وگو با بغداد را بگشاید». این موضوع را برهم صالح، در مصاحبه با روزنامه «الشرق الأوسط» عنوان می‌کند. او اما بر این موضوع نیز تأکید می‌ورزد که «هرگز سیاسی که از سال ۲۰۰۳ تاکنون در عراق حاکم است، دیگر قادر نیست کشور را به پیش ببرد.» درخصوص روند عملیات جاری نیز برهم صالح، نگرانی خود را از «کفص حقوق غیرنظامی‌های کرد» پنهان نمی‌کند و اینکه او دولت مرکزی خواسته تا جلوی برخی اقدامات غیر قانونی «حشدالشعبی» را بگیرد. برهم صالح، کشیده‌شدن مناقشات فعلی به یک جنگ قومیتی و فرقه‌ای میان کردها و عرب‌ها را چندان محتمل نمی‌داند اما درعین حال بر این نکته تأکید دارد که «مرزهایی که باخون ترسیم می‌شود ناگزیر بر روی باخون‌تری مجدد تغییر می‌یابد». برهم صالح تا چندی پیش عضو پرچستہ تشکیلات «اتحادیه میهنی کردستان» بود که ریاست آن را مرحوم طالبانی برعهده داشت. او به‌مدت ۲ سال رئیس دولت خودمختار و متحد کردستان بوده و پیش از آن برای چندین سال منصب معاونت نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق (تا سال ۲۰۱۴) را برعهده گرفته بود. او چندم‌های است که تشکیلات مستقلی با نام «اتلاف برای دموکراسی و عدالت در عراق» سازمان داده‌است.

**چه کسی مسئولیت آنچه از فعال‌میان بغداد و اربیل روی می‌دهد برعهده دارد؟ آیا بر گزاری فراندوم به‌نظر شما کار اشتباهی بود؟**

اولا و قبیل از هر چیز باید واژه «کردها» را که در سوالتان مطرح کردید، اصلاح کنم. بعاعتقاد من در این مرحله تاریخی مهم، خلط کردن میحث خواست و آز مان ملت کرد با سیاست‌های دولتمردان حاکم کار اشتباهی است. تصمیم برای برگزاری فراندوم در شرایط فعلی در درجه‌اول انتخایی بود که توسط رهبری سیاسی اتخاذ شده و صرفاً مسئولیت آن را برعهده گرفته‌اند. به‌واقع نیز باید گفت که اتخاذ چنین تصمیمی بدون توجه به اجماع جهانی و کشورهای منطقه علیه آن نیز بی‌اعتنایی به موضوع تفاهم با- بغداد و حتی دیدگاه‌های مخالف در درون کردستان، مهم‌ترین موضوع در آینده بی‌توجهی دولتی‌ها به حل چالش دیرینه مناطق مورد مناقشه و خصوصا کرکوک‌است. دیگر رفتار کتاب دولت‌های حاکم بر بغداد، بی‌توجهی آنان به شرکای سیاسی و نیروهای کُنشگر بود که مشکلات موجود را به سرحد